

تکمیل پازل دشمن با سوءمدیریت اقتصادی

امروز عرصه اقتصادی خط مقدم جبهه نبرد با دشمنان است. سوءمدیریت اقتصادی می‌تواند در این عرصه با اهمیت تمام خوابهای تعبیر نشده دشمنان را که سالهاست آرزوی آن را دارند به تحقق نزدیک کند.



معیشت اقشار محروم اولویت چندم است؟!

تکمیل پازل دشمن با سوءمدیریت اقتصادی

امروز عرصه اقتصادی خط مقدم جبهه نبرد با دشمنان است. سوءمدیریت اقتصادی می‌تواند در این عرصه با اهمیت تمام خوابهای تعبیر نشده دشمنان را که سالهاست آرزوی آن را دارند به تحقق نزدیک کند. دشمنان نظام از پی فتنه 88 و با ناامیدی از راههای دیگر بیشترین تلاش خود را در این جبهه متمرکز کرده‌اند.

حضور گسترده مردم در انتخابات 1388 و مشارکت بالای ملت ایران در انتخابات دور دهم ریاست‌جمهوری، حیرت و شگفتی دشمنان نظام و تعبیر نشدن خوابهای آنان را در پی داشت. اما ایشان هنوز نا امید نبودند چرا که در داخل با استفاده از عناصر خود از یک طرف و از طرفی دیگر غفلت و بازی خوردن برخی افراد در نظام می‌توانستند بر اسب مرادشان بتازند. کلید واژه «تقلب» که از ماهها پیش از انتخابات بر روی آن کار شده بود می‌آمد تا بحرانی را رقم بزند که نتیجه آن (از منظر دشمنان) از دو حالت خارج نبود: در حالت نخست می‌توانست سرانجامی برای ایران رقم بزند مانند سرانجام شورهای که دچار انقلابهای رنگین و مخملی شده بودند. و در اقل آن مشروعیت‌زدایی از نظام و بی‌اعتمادسازی مردم نسبت به آن را می‌توانست در پی داشته باشد که در نهایت سرانجامی مانند تحمیل خواسته‌های فتنه‌گران مبنی بر ابطال انتخابات را منجر شود. رهبر معظم انقلاب در آذر ماه 1388 فرمودند: «دیدید شما در اوایل همین حوادث بعد از انتخابات - این فتنه بعد از انتخابات - اولین کاری که شد، تردید افکنی در کار مسئولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور. این تردید افکنی‌ها خیلی مضر است؛ دشمن این را می‌خواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت را، انگیزه را، رعایت موازین و معیارها را، اینها همه را با هم ملاحظه کنند»

تمام رسانه‌های معاند از سایتها تا شبکه‌های ماهواره‌ای و حتی رسانه‌هایی مانند فیسبوک و توئیتر و بلاگ‌ها دست به دست هم داده بودند تا به عنوان واحد توپخانه با اخبار و اطلاعات نادرست و انحرافی فضا را ملتهب‌تر کنند. اما چنان که می‌اندیشیدند نشد، چرا که آن فتنه جنبش اشرافیت بود. در ایران گروه اصلاح طلب اصولا به گروه اشراف جامعه تعلق داشته و از میان این گروه‌ها یارگیری کرده‌اند. اگرچه اصلاح طلبان کوشیدند تا با شعارهای جذاب و فریبنده برای قشر جوان و بخصوص دانشجوی به یارگیری از میان آنها بپردازند اما به واقع بدنه اجتماعی اطلاع طلبی تندرو و فتنه 88 بسیار سست و شکننده بود و دغدغه‌های آنها چندان ریشه‌دار و الزام‌آور برای بسیاری از ایشان نیز نبود.

تحریم‌هایی که

محصول فتنه بودند

9 ماه پراشتاب و آشوب سپری شد. فتنه‌گران که چشم به راه زایش فتنه بودند اما ناکام ماندند، فتنه‌ای که با تمام توان به آن دامن زده بودند و اکنون ابتر مانده بود و این بیشتر از خود فتنه‌گران، دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی را که نقش ولی‌نعمتان و حامیان آنها را داشتند نگران می‌کرد. تلاش آنها برای امتداد بخشیدن به فتنه با هدف از بین بردن ماندگاری جمهوری اسلامی بود چنانکه مقام معظم رهبری در دی ماه سال گذشته فرمودند: «همه همت آنان این است که این ماندگاری را یکجوری به هم بزنند؛ همه همت من و شما باید این باشد که این ماندگاری را افزایش بدهیم. از اول انقلاب دائم در فکر این بودند که این را از بین ببرند: جنگ تحمیلی به‌خاطر همین بود؛ جنگ‌های قومیت‌ها در اطراف کشور به‌خاطر همین بود؛ محاصره اقتصادی به‌خاطر همین بود؛ تحریم‌های شدیدی که در این سالهای اخیر برقرار کردند برای همین است... هر روز هم یک ابتکاری درست می‌کنند؛ این کارهایی که در سال 88 کردند، از ابتکارات جدید بود که ابتکار آمریکایی‌ها بود. البته در چند جای دیگر تجربه کرده بودند، مخصوص ما نبود؛ در چند کشور دیگر این را تجربه کرده بودند، بعد آمدند همین تجربه را در کشور ما پیاده کنند که آن‌جور تودهنی خوردند.»

آخرین نفس‌های به شماره افتاده فتنه را در 22 بهمن 1388 شاهد بودیم وقتی که نقشه آنها در میان سیل خروشان مردم که برای گرامیداشت سالگرد انقلاب اسلامی به خیابانها آمده بودند نقش بر آب شد و آخرین تلاش آنها در آخرین چهارشنبه همان سال نیز هیچ اثری نداشت. لذا دشمنان انقلاب اسلامی به تکاپو افتادند تا فتنه ابتر مانده و به نتیجه نرسیده را جانی بخشند. یک سال پس از آغاز آن، کودکی نامشروع را برای فرزندخواندگی به فتنه هدیه دادند، تا از ابتر ماندن آن جلوگیری کرده باشند. چرا که از اواخر سال 88 بحث‌هایی در آمریکا و در میان دولتمردان و کارگزاران آن کشور پیرامون چگونگی بازنویسی راهبرد برای ایجاد تغییر در محاسبات مردم و حاکمیت ایران در جریان بود.

صدور قطعنامه 1929

در بستر فتنه 88

در نخستین سالگرد فتنه یعنی در 25 خرداد 1389، قطعنامه 1929 شورای امنیت علیه ایران صادر شد. قطعنامه‌ای که با هدف کمک به فتنه 88 و جلوگیری از عقیم ماندن آن طراحی و تصویب شد. این قطعنامه بستری شد برای آن دسته از تحریم‌ها علیه ایران که آمریکایی‌ها خود آن را سنگین‌ترین تحریم‌های طول تاریخ می‌خوانند. البته این تحریم‌ها به بهانه هسته‌ای بود و از چند ماه پیش از آن، یعنی از 13 فروردین 1389، این تلاش‌ها آغاز شده بود. بارک اوباما در کنفرانس مطبوعاتی با نیکلا سارکوزی رئیس‌جمهور وقت فرانسه از اعضای شورای امنیت خواست تا قطعنامه تحریم‌های تازه را علیه کشورمان به سرعت و در عرض چند هفته به دلیل برنامه هسته‌ای ایران تصویب کنند. آمریکایی‌ها، و گروه‌های داخلی هم‌فکر و همراه آنها، در این سالها، با تبلیغات سعی در القای این موضوع داشتند که علت اصلی اعمال تحریم‌ها، سیاست هسته‌ای ایران و نوع تعاملی است که ایران در این باره با جامعه بین‌المللی در پیش گرفته است اما به واقع بستری که فتنه 88 فراهم کرد به قطعنامه 1929 انجامید و این قطعنامه بستر حقوقی اعمال تحریم‌های گسترده در حوزه‌های مالی و انرژی را فراهم آورد.

روشن و واضح بود که آمریکا و متحدانش در اعمال تحریم‌های جدید و به قولی خوردکننده بسیار عجله داشتند چنانکه در بیاناتشان پیدا بود. رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا؛ هاوارد برمن در همان ایام در سخنرانی در صحن مجلس گفته بود ما به شدیدترین تحریم‌ها و در سریع‌ترین زمان ممکن نیاز داریم. آنکلا مرکل صدر اعظم آلمان هم به نمایندگی از طرفهای اروپایی ضمن تایید نظر آمریکایی برای اعمال تحریم جدید روی قید زمانی زود برای تصویب و اجرای آنها تاکید کرد و همه اینها در همان دورهای اتفاق می‌افتاد که فتنه 88 در بستر احتضار قرار داشت.

دست‌پخت فتنه‌گران این امکان را در اختیار آمریکا و متحدان اروپایی‌اش قرار داده بود تا مجموعه‌ای از گزینه‌های مختلف را برای فشار بر مردم ایران گردهم جمع کنند. آن چنان که خودشان به خوردکننده بودن این فشارها اذعان کرده‌اند که این موضوع بیشتر مقاومت ستایش‌برانگیز ملت ایران را نشان می‌دهد.

به نتیجه نرسیدن راهبرد تحریم

پس از گذشت چند سال از آن و به نتیجه نرسیدن راهبرد تحریم بود که آمریکایی‌ها را به فکر انداخت تا با وجود واسطه‌ای برای مذاکره با ایران پا پیش بگذارند. کشور عمان به عنوان میانجی حامل پیغامی از سوی آمریکایی‌ها برای مذاکره بود. این موضوع پیش از هر چیز بیانگر این است که خود آمریکایی‌ها به نتیجه دادن راهبرد تحریم‌های خورد کننده‌شان چندان مطمئن نبودند و گرنه باب مذاکره را نمی‌گشودند. از طرفی دیگر عده‌ای نیز به خاطر مسائل جناحی به بزرگنمایی از تحریم‌ها پرداخته تا به این وسیله عقوبت انتخاب ملت در سال 88 را بزرگتر جلوه دهند. رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «یکی از سه ابزار مؤثر دشمن عبارت است از تحریم. دشمن احساس کرده است که کشور ما و ملت ما از تحریم ضربه می‌بیند؛ متأسفانه خود ما هم این برداشت را در او تقویت کردیم. یک جاهایی و در یک برهه‌ای دائم تحریم را بزرگ کردیم که آقا تحریم است، تحریم است، باید تحریم را برداریم، اگر تحریم باشد این‌جور به ما ضربه می‌خورد و مانند این‌ها؛ از آن طرف هم برداشتن تحریم‌ها را باز تقویت کردیم، بزرگ کردیم، بزرگنمایی کردیم که اگر تحریم‌ها برداشته بشود این اتفاق خواهد افتاد، آن اتفاق خواهد افتاد؛ اتفاقاتی که نیفتاد و اگر همین‌جور هم پیش برویم نخواهد افتاد. لکن دشمن احساس کرده است که با ابزار تحریم می‌تواند بر ملت ایران فشار بیاورد؛ دشمن این را احساس کرده است. پس آنچه در مقابل ما امروز وجود دارد عمدتاً عبارت است از تحریم.»

سوءمدیریت؛ مکمل پازل دشمن

اما آیا به راستی ضربه اصلی را از تحریم‌ها خورده‌ایم یا از سوءمدیریت‌ها؟ جالب آنکه اصلاح‌طلبان پیش از این مشکلات کشور را در سوءمدیریت می‌دیدند. در دولت جدید همه آنها را به تحریم‌ها پیوند زدند. اما واقعیت این است که اگر به شاخص‌های کلان اقتصادی شامل بهره‌وری پایین، نرخ تورم دو رقمی، یارانه بالا، نرخ بیکاری دو رقمی، رشد اقتصادی پراکنده طی سه دهه اخیر نگاه کنیم، مشخص است که این شاخص‌ها چه در دولت سازندگی، چه در دولت اصلاحات و چه در دولت قبل وضعیت مطلوبی نداشته است و این روند در دولت تدبیر و امید نیز به همان طریق ادامه دارد.

حال بیایید فرض را بر این قرار دهیم که راهکار و برنامه اجرایی خوب و مفیدی نیز از جانب کسی مطرح شود. آیا با سوءمدیریت در عرصه اقتصادی می‌توان به «معیشت و اقتصاد خانواده‌های محروم» آنچنان که شایسته است سر و سامان داد؟ عرصه اقتصاد امروزه خط مقدم نبرد ما با دشمنان است و سوءمدیریت‌ها در این عرصه قطعاً تکمیل‌کننده پازل دشمن در این نبرد است. نبردی که هدف غایی آن براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این مسیر برخی آگاهانه و با نفوذ در عرصه‌های مدیریت اقتصادی کشور و برخی ناآگاهانه به اهداف دشمن یاری می‌رسانند و صد البته که در هر دو صورت منتفع دشمنان هستند. قطعاً برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور دو بال توأمان نیاز است که یکی راهکار و برنامه اجرایی درست و

کارشناسی شده است که صاحب‌نظران دلسوز آن را چکش کاری کرده‌اند. و بال دیگر مدیرانی هستند که باید این برنامه‌ها را اجرا کنند. نبود هر یک از اینها رسیدن به مقصد را بعید خواهد کرد. حال بگذریم از اینکه در برخی مقاطع از نبود هر دو رنج برده‌ایم. مدیران و مدیریت اشرافی قطعاً با سنت اسلام، انقلابی‌گری و اقتصاد مقاومتی همخوانی ندارد. پس قدم اول برای پیروزی در این عرصه پالایش سطوح مدیریتی کشور از سوءمدیریت‌هاست.